

حروف اضافه دوگانه، توأمان و ترکیبات اضافی، در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه ترفانی

آزیده مقدم

دانشگاه تهران

چکیده

با خارج شدن زبان‌های ایرانی میانه از ساختار تصریفی زبان‌های ایرانی باستان، تغییراتی در آن‌ها روی داد تا عملکرد اجزای ازمیان‌رفته یا ضعیف‌شده این زبان‌ها به نحوی توسط اجزایی دیگر جایگزین شود. از جمله این تغییرات تقویت نقش حروف اضافه در کنار شکل‌گیری گونه‌هایی جدید از آن‌ها بود. ساختارهای اضافی در دوره میانه شامل گروهی اند که مستقیماً از دوران باستان به میانه رسیدند و نیز مجموعه‌ای دیگر که در دوره میانه و از ترکیب حروف اضافه با یکدیگر و یا با دیگر عناصر زبانی، مانند اسم، صفت، قید و یا حروف ربط شکل گرفتند. به این طریق، در این دوره تعیین نقش مقوله نام در جمله، که پیشتر بر بنیاد تغییر حالت‌های صرفی قرار داشت، تاحدزیادی توسط این حروف مشخص شد. بررسی گونه‌های مختلف این ساختارها در کتیبه‌های پهلوی ساسانی، کتاب‌های پهلوی زرتشتی و پارسی میانه ترفانی موضوع این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: حروف اضافه دوگانه، حروف اضافه توأمان، ترکیبات اضافی، ایرانی باستان، ایرانی میانه.

۱. مقدمه

حروف اضافه از جمله اجزای فعال زبانی در گروه زبان‌های ایرانی میانه هستند که با ازمیان‌رفتن حالت‌های صرفی در زبان‌های ایرانی باستان، نقش مهمی را در تعیین جایگاه واژه در جمله بر عهده گرفتند. بخشی از این حروف بازمانده ساختارهای مشابه از دوران باستان هستند درحالی‌که تعدادی در دوران میانه شکل گرفته، فاقد نمونه یا نمونه‌های کهن هستند. مبحث حروف اضافه در زبان‌های ایرانی میانه پیش‌تر به صورت منسجم و جامع مورد بررسی قرار نگرفته است. از جمله قدیمی‌ترین پژوهش‌ها، می‌توان به مباحث مربوط به حروف اضافه در سه اثر متعلق به بلوشه^۱ (۱۹۰۵: ۱۵۱-۱۵۹)، زالمان^۲ (۱۹۳۰: ۱۱۳-۱۱۱) و راستارگویوا^۳ (۱۳۴۷: ۲۰۴-۱۹۶) اشاره کرد. در هیچ‌یک از آثار نام‌برده، حروف اضافه آن‌گونه که باید دسته‌بندی و تحلیل نشده و به معرفی مختصر آن‌ها اکتفا شده است. در سال‌های بعد نیز پژوهش‌گران گوناگون، چه در کتاب‌ها و چه مقالات خود تنها یک یا احیاناً چند مورد از

^۱ E. Blochet: حروف اضافه‌ای که در کتاب وی آمده‌اند، عبارتند از:

plrAmUn, pa, andar, pas, azbar, pl/ES, djUt, aZ, blrUn, andarUn, mlyAn, nazd, azlr, apar, pat-, rAl.

^۲ C. Salemann: حروف اضافه‌ای که در کتاب زالمان آمده‌اند، عبارتند از:

Er, andar, andarg, O/aWaS(aWiS), abar, tar, tarist, pa/paDaS(paDiS), az/aZaS(aZiS), rAy, tA, abA, ape-

بعدها زالمان در نوشتاری که به توصیف و تحلیل زبان پارسی میانه پرداخته بود، مجدداً مباحث پیشین را تکرار نمود (زالمان، ۱۹۷۴: ۳۱۸-۳۱۷).

^۳ W.C. Rostar Gueva: حروف اضافه‌ای که در کتاب وی آمده‌اند، تحت عناوین حرف اضافه بدون معنای زمان و مکان و حروف اضافه دوگانه، با تعریفی متفاوت از این مقاله طبقه‌بندی شده، عبارتند از:

1) apAk, apAc, apE, rAD, 2) miyAn i, andar miyAn i, nazdlk i, az nazdlk i, O nazdlk i, nazdlklh i, paDE i, pas hac, hac pas i, pES i, yut hac.

حروف اضافه را مورد توجه قرار دادند و در بیشتر آن‌ها سه حرف اضافه پربسامد **az**، **pad** و **O** همواره از مرکزیت برخوردارند.^۱ شاید مفصل‌ترین کار متعلق به برونر^۲ باشد، اما وی نیز در کتاب خود، "نحو ایرانی میانه غربی"، عمدتاً به همین حروف پرداخته است (برونر، ۱۹۷۷: ۱۵۷-۱۱۶). **az**، **pad** و **O** بنابر مفاهیم و عملکردهای دستوری‌شان و بدون دسته‌بندی‌های دقیق‌تر مورد بررسی قرار گرفته‌اند^۳ و تنها سه حرف اضافه **abar**، **andar** و **pES** که به‌عنوان پیشوند فعلی نیز به‌کار می‌روند، به آن‌ها افزوده شده‌اند. ژینیو^۴ (۱۹۷۱: ۱۱۳-۱۰۳؛ ۱۹۸۶: ۲۳-۱۵)، لازار^۵ (۱۹۷۵: ۱۳-۱ و ۱۹۸۶: ۲۵۵-۲۴۵) و مکنزی^۶ (۱۹۹۰: ۴۹۵-۴۸۷) از جمله پژوهش‌گرانی‌اند که تعدادی از حروف اضافه را با دید دقیق‌تری مورد بررسی قرار داده، مقاله‌های بسیار مفیدی به‌ترتیب در خصوص حروف اضافه **OrOn** و **abar** (ژینیو)، پیشوند فعلی **ba/be** و حروف اضافه **pad** و **(O) be** (لازار)، و حروف اضافه به‌ظاهر مؤخری، که در واقع فاقد این عمل‌کرد هستند (مکنزی)، به رشته تحریر درآورده‌اند. بنابراین، با در نظر گرفتن میزان و سطح پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص حروف اضافه در زبان‌های ایرانی میانه غربی و با توجه به اهمیت این مقوله در درک این گروه از زبان‌های غیرتصریفی، ضروری است که این مقوله بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد.

حروف اضافه را می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داد (مقدم، ۱۳۸۴: ۹۶-۶۶)، از جمله: الف) ساختمان درونی، ب) ساختمان بیرونی، پ) تقدم و تأخر، ت) عملکردهای غیراضافی و ث) نحوه اتصال به دیگر اجزای زبان. حروف اضافه در زبان‌های مورد مطالعه در این مقاله، یعنی پهلوی ساسانی کتابی و کتیبه‌ای و پارسی میانه ترفانی،^۷ به لحاظ ساختمان درونی به دو گروه ساده^۸ و مرکب^۹ تقسیم می‌شوند. حروف اضافه ساده عبارتند از: **pad**، **az**، **O**، **abar**، **abAg**، **andar**، **andarg**، **(MMPer.)ba**، **(Phl.)beE**، **rOn**، **tA(Phl.)**، **dA(MMPer.)**، **tar/try**، **(MMPer.)tar**، **waSn**. حروف اضافه مرکب عبارتند از: **padis**، **aziS**، **awiS**، **tarist**، **padisAy**، **hammi/Is** و ***hassAr**. این حروف از دیدگاه تقدم و تأخر در گروه‌های زیر جای می‌گیرند: مقدم شامل **pad**، **az**، **O**، مؤخر شامل **rOn**، **waSn** و مقدم-مؤخر^{۱۰} شامل **padis**، **aziS**، **awiS**، **abar**، **abAg**، **andar**، **andarg**، **(MMPer.)ba**، **(Phl.)beE**، **tA(Phl.)**، **dA(MMPer.)**، **tar/try**، **(MMPer.)tar**، **padisAy**، **hammi/Is** و ***hassAr**.^{۱۱} تعدادی از حروف اضافه تنها در عملکرد اضافی ظاهر شده‌اند در حالی که برخی دارای عمل‌کردهای متنوع دیگری نیز هستند، از

^۱ برای نمونه ریک (زوندرومان، ۱۹۸۹: ۱۲۸-۱۶۴).

^۲ Ch. Brunner

^۳ بررسی حروف اضافه از دیدگاه مفاهیم و برخی عملکردهای دستوری، موضوع مقاله‌ای دیگر است.

^۴ Ph. Gignoux

^۵ G. Lazard

^۶ D.N. MacKenzie

^۷ لازم به یادآوری است که نمونه‌هایی از زیور نیز در مثال‌ها ارائه شده‌اند.

^۸ Simple pre/post-positions

^۹ Compound pre/post-positions

^{۱۰} Ambipositions

^{۱۱} برای بررسی دقیق‌تر این گروه ریک (مقدم، ۱۳۸۴).

حروف اضافه غیر منفرد

۱) حروف اضافه دوگانه:

در دوره میانه علاوه بر حروف اضافه منفرد انواع دیگری از ساخت‌های اضافی نیز به کار گرفته شدند که بر تعداد و کارایی این حروف افزود. این ساخت‌های جدید به روش‌های مختلف، اما در چهارچوبی خاص ایجاد شدند، از جمله گروهی که در این جا از آن‌ها تحت عنوان "حروف اضافه دوگانه" نام برده می‌شود. این ساخت‌ها به صورت‌های زیر شکل گرفتند:

- گروه الف: ترکیب حروف اضافه منفرد با یکدیگر؛

- گروه ب: ترکیب حروف اضافه منفرد با دیگر عناصر دستوری، مانند قید، اسم، صفت، ضمیر یا واژه‌های ربط. در این گروه، حرف اضافه می‌تواند پیش یا پس از جزء دیگر قرار گیرد؛

- پ: ترکیب برخی از عناصر دستوری نامبرده، یعنی قید، اسم، صفت، ضمیر یا واژه‌های ربط با یکدیگر. لازم به ذکر است که حاصل ترکیبات فوق همیشه کاربرد اضافی نداشته، ممکن است کاربرد قیدی یا ربطی نیز داشته باشند که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد. ضمناً ترکیب بعضی از عناصر نامبرده با گونه مشابه خود نیز امکان‌پذیر است، مانند حرف ربط با حرف ربط که البته در این صورت، صورت حاصل شده تنها کاربرد ربطی خواهد داشت. نکته دیگر این که از میان موارد مذکور در بالا تنها مورد نخست (الف) را می‌توان در زمره حروف اضافه دو گانه اصلی قلم‌داد کرد، زیرا هر دو جزء تشکیل‌دهنده را حروف اضافه تشکیل می‌دهند و معمولاً یکی از این دو حرف است که نسبت به دیگری نقش تأکیدی دارد؛ سایر موارد در زمره ساخت‌های ثانوی قرار می‌گیرند. این دسته از حروف اضافه عموماً می‌توانند در چهارچوب عملکرد حروف اضافه ساده عمل کنند، گرچه شاید از تمامی مواردی که امکان ایجادشان وجود دارد، نمونه‌ای در دست نباشد.

از میان حروف اضافه منفرد، **az, pad, O, abar, andar, be/E, ta/dA** در ساختمان دوگانه ظاهر می‌شوند.^۱ اسم‌ها، صفت‌ها و قیدهایی که می‌توانند دارای عملکرد اضافی باشند نیز به کرات در ساختمان دوگانه ظاهر شده‌اند، از جمله **OrOn, pErAmOn, pas, pES, azEr, azabar, bErOn** و **jud, nazdIkIh, nazdIk, nazd, pay, sar, mayAn** و نکته دیگر این که این ساختارها عمل کردی مشابه حروف اضافه منفرد دارند، به عبارت دیگر همچون حروف نامبرده می‌توانند به صورت مقدم یا مؤخر و در عمل کرد اضافی، قیدی یا ربطی ظاهر شوند.

۱- الف) گروه نخست: حرف اضافه (/حرف اضافه قید- پیشوندی) + حرف اضافه (/حرف اضافه قید- پیشوندی):

- در کاربرد اضافی: از جمله حرفی که در این کاربرد آمده‌اند، عبارتند از: **pad andar** "در"، **az abar** "بالای، روی"، **abar pad** "از نظر، به لحاظ؛ در (با مفهوم زمانی)"، **O andar** "به" و **ta/dA**

^۱ در متون بررسی‌شده، نمونه‌ای از حروف اضافه **hassAr, hammi/Is, padisA/y, tar, rOn, rAy, abAg, aziS, awiS, padis** در این ساختمان مشاهده نگردید. در زبان فارسی **rAy** در حرف اضافه "برای" (از **pad rAy**) باقی مانده است، در حالی که زبان‌های پهلوی و پارسی میانه ترفانی این ساختمان را به صورت **pad ... rAy** حفظ کرده‌اند.

O "تا، تا به". نمونه‌های موجود نشان می‌دهند در برخی موارد هیچ احتمالی وجود ندارد که یکی از دو جزء تشکیل‌دهنده به‌عنوان پیشوند فعلی عمل کند، چراکه عمل کرد اضافی جزء نخست کاملاً مشهود است. این گونه موارد صورت‌های دوگانه را بهتر منتقل می‌کنند. مواردی نیز وجود دارند که جزء نخست در آن‌ها می‌تواند مفهوم پیشوندی (/قیدی) را منتقل کند، مانند O abar "بر، روی" در فعل abar e/EstAdan ... O andar "به" در فعل O OftAdan اندار یا O be/E "به" در فعل be dAdan^۲

- در کاربرد قیدی(مکان): az abar "بالا، در بالا".^۳

- در کاربرد ربطی: O tA/dA "تا، تا اینکه".^۴

۱- ب) گروه دوم: حرف اضافه با دیگر عناصر دستوری: همراهی حروف اضافه با دیگر عناصر دستوری به دوگونه صورت می‌گیرد: در یک گونه حرف اضافه پیش از جزء دیگر و در گونه دیگر پس از آن قرار می‌گیرد.

۱- ب-۱) حرف اضافه در جایگاه نخست:

۱- ب-۱-۱) حرف اضافه + قید (/قید اضافی):

^۱ وضعیت be(E?) در دو مورد دیگر نیز قابل تأمل است:

الف) be(E?) pad همشینی دو واژه be(E?) pad و ساختمان be(E?) pad به عنوان پیشوند فعلی عادی نیست و احتمالاً در این- بین pad زائد بوده و به be(E?) افزوده شده است.

... ud ArdaxSahr I PAbagAn SahrestAn be(E?) pad frazAmEnId. (PTx, SÊ., p. 22, L. 12)

"... و اردشیر بابکان شهرستان را به انجام رسانید." ساختمان فوق در متن روایت پهلوی نیز آمده است، اما باید توجه داشت که نسخه‌های مختلف به لحاظ نگارش دو واژه be/E و pad در کنار هم کاملاً مشابه یکدیگر نیستند:

... be(E?) (BK omits) pad meniSn be(E?) pad gOwiSn be(E?) pad (BK, J omit) kuniSn. (RPhl., p. 176, 58, 23) " ... باید اندیشید، باید گنت، باید

انجام داد."

خانم مزداپور (۱۳۷۸: ۹۷) در بررسی متن م. او ۲۹ این دو مورد را جزو حروف اضافه زائد ذکر کرده است. البته مورد دوم را مطابق ترجمه ایشان ("به منش، به گفتار، به کردار") می‌توان حرف اضافه دانست. نک: (میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۷۱): " ... باید ... اندیشید، گنت و کرد و ..."

ب) be(E?) abar : در متن MU29 این دو کلمه باهم و ظاهراً به‌عنوان پیشوند فعلی آمده‌اند. نک: (مزداپور، ۱۳۷۸: ۷۳):

kU pad An I rAz be(E?) abar az man gOw ka pad gEtIg mardOmAn be gOwEm. (MU29, p. 49, L. 14-16) "پس آن راز را نزد من بگوی تا در گیتی مردمان را بگویم!" (مزداپور، ۱۳۷۸: ۲۰۳)

pad andar (AWz, p. 53, 5. 8). az abar (AI, y, p. 63, 7). az abar (AI, aa, p. 82, 4). abar pad (Dk VII, p. 605, L. 19-20). abar pad (Dk VII, p. 608, L. 5-6). andar O (MOP, SPs., p. 127, L. 4-5).

Sudan ... andar O : گرچه فعل "اندرشدن" از استقلال معنایی "وارد/داخل شدن" (دربرابر "بیرون شدن") برخوردار است، اما از آنجاکه متن کتیبه زمانی ایجادشده که هنوز "حرکت بسوی سگستان" صورت نگرفته بود تا رسد به "اندر/وارد شدن به آن شهر". از این رو بعید به نظر نمی‌رسد که واژه andar در این‌جا کارکرد پیشوندی داشته باشد، مگر این‌که در آن دوران چنین کاربردی برای فعل "رهسپارشدن به جایی" رایج بوده باشد.

tA O (MOP, Kr., p. 33, L. 2). dA O abdom ... (AI, a, p. 30, 2) ↓

در نمونه بالا قید abdom به‌دنبال ساختار دوگانه dA O آمده است.

abar O (MOP, YZ, p. 25, L. 13). andar O (MOP, YZ, p. 25, L. 1-3). be/E O (MOP, MX, p. 79, L. 20-21).

az abar (MOP, SPs., p. 126, L. 3-4) (AI, ae, p. 89, 1)^۳

dA O (AI, h, p. 40, L. 2)^۴

- در کاربرد اضافی: حروف اضافه این گروه عبارتند از: **az pES** "از پیش، از برابر"، **az pas** "از پس، به دنبال"، **az bErOn** "از بیرون"، **O azEr** "به زیر". نمونه‌ها ممکن است به صورت مؤخر نیز بیایند.^۱

- در کاربرد قیدی (زمان و مکان): **az ahl** "از پیش، از آغاز"، **az pas** "از پس، به دنبال"، **O pES** "به پیش، به جلو"، **O pas** "به عقب"، **O bErOn** "به بیرون".^۲

۱-ب-۱) حرف اضافه + اسم (/ اسم اضافی) / صفت:

- در کاربرد اضافی: حروف اضافه این گروه عبارتند از: **az mayAn** "از میان"، **O nazdIkIh** "به نزدیکی، نزد"، **tA nazd** "تا نزدیک، تا نزد"، **pad bun** "در آغاز"، **pad sar** "در سر، در آغاز".^۴

- در کاربرد قیدی (زمان، مکان): **az naxwist** "از نخست/ابتدا"، **pad sar** "در پایان"، **az nazdIk** "از نزدیک"، **az dUr** "از دور".^۶

۱-ب-۱) حرف اضافه + حرف ربط: این گروه تنها عمل کرد ربطی دارند. نمونه‌ها عبارتند از: **bE ka** "به جز (این که، مگر)"، **tA/dA ka** "تا زمانی که".^۷

۱-ب-۲) حرف اضافه در جایگاه دوم:

۱-ب-۲) قید/قید- پیشوند جهتی (/ قید اضافی) + حرف اضافه: در این جا نیز در برخی نمونه‌ها عمل کرد پیشوندی مبهم است.

- در کاربرد اضافی: در این موارد عملکرد اضافی جزء نخست واضح است: **az pES** "پیش از"، **pas az** "پس از"، **OrOn az** "آنسوی (= آنسو از)"، **bEdandar az** "بیرون از"، در حالی که در **abAz O** "باز به"، **frAz O** "فراز به"، **frOd O** "فرود به"، **ul O** "به، (بالا) به"، جزء نخست می‌تواند مفهوم پیشوندی (- قیدی) را نیز منتقل کند.^۸

- در کاربرد ربطی: **andom tA/dA** "تا زمانی که".^۹

۱-ب-۲) صفت+حرف اضافه:

^۱ az pES man (AI, h, p. 40, 4). u-SAN ... az pas (MOP, KA, p. 7, L. 17-18). ... kE-S az bErOn (AI, aa, p. 82, L. 4). O azEr (MOP, Kr, p. 33, L. 20-21).
برای نمونه در این مورد رک: O pES.

^۲ az ahl (KSM, L. 39) (Gignoux, 1991, p. 84), (AI, y, p. 65, 16). az pas (AI, h, p. 42, 7). O pES ... O pas (MOP, MX, p. 68, L. 11-12). O bErOn (MOP, KA, p. 10, L. 10-11).

^۴ az mayAn ... az mayAn (AI, bt, p. 124, 4). O nazdIkIh (MOP, KA, p. 9, L. 10-11). tA nazd (زمانی) (AI, (آغاز) (PTx, WF, p. 76, L. 21). pad sar (پایان) (MOP, KA, p. 5, L. 1-4). pad bun ... pad sar (n, p. 42, 2).

برای نمونه در این مورد رک: pad bun.
برای نمونه در این مورد رک: az nazdIk.

*az naxwist (AI, z, p. 77, 2). az nazdIk ... az dUr (MOP, MX, p. 73, L. 11-12).

^۷ bE ka (MOP, YZ, p. 20, L. 18-19). tA ka (MOP, Kr, p. 34, L. 10-11). dA ka (AI, h, p. 42, 8).

^۸ pES az (MOP, KA, p. 9, L. 11-12). pas az (MOP, MX, p. 74, L. 12-14). OrOn az (AI, y, p. 62, 4). bEdandar az (AI, aa, p. 82, 3). abAz O (MOP, PT, p. 62, L. 4-5). frAz O (AI, n, p. 44-45, 2). frOd O (AI, aq, p. 101, 3). ul O (AI, y, p. 63, 8).

andom dA-... (AI, a, p. 22, 2).

- در کاربرد اضافی: "jud az" جز، جدا از، "nazd O" نزد، نزدیک، نزدیک به، "mAnAg O" مانند، مانند به^۱.

۱-ب-۲-۳) واژه ربط + حرف اضافه:

- در کاربرد اضافی: "ciyOn/ce>On O" چونان، مانند^۲.

۱-پ) گروه سوم: ترکیب سایر عناصر دستوری (به جز حروف اضافه) با یکدیگر:

۱-پ-۱) قید (/قید اضافی) + کلمه ربط:

- در کاربرد اضافی: "EdOn ciyOn" این چنین، همچون، مانند، "(An) OwOn/a>On ciyOn/ce>On" آنچنان، مانند^۳.

- در کاربرد ربطی (/قید ربط): "pES kU" پیش از آن که، قبل از، "pas kU" پس از آن که، بعد از، "(An) OwOn/a>On ciyOn/ce>On" آن گونه که، آن چنان که، "EdOn ciyOn" این گونه که، این چنین که^۴.

۱-پ-۲) قید ربط + ضمیر:

- در کاربرد اضافی: "ce>On kE" چونان کسانی که^۵.

۱-ت) گروه چهارم: ترکیب برخی از عناصر دستوری (به جز حروف اضافه) با خودشان:

قید ربط + قید ربط: این گروه صرفاً به عنوان ربط عمل می کند. نمونه ای از آن ها "ciyOn ka" چونان زمانی که چونان که^۶ است.

۲) حروف اضافه توأمان

حروف اضافه توأمان به حروفی اطلاق می شود که به صورت جفت اما با فاصله از یکدیگر می آیند و واژه یا عبارتی که بر آن عمل می کنند بین آن ها قرار می گیرد.

۲-الف) معانی حروف اضافه توأمان: معانی این حروف گاه، با حفظ یک مفهوم کلی، برحسب معنی واژه ای که به آن ارجاع دارند تا حدی تغییر می کنند. صورت های توأمان به لحاظ معنی قابل گروه بندی اند:

۲-الف-۱) در برخی موارد حرف اضافه و جفت آن از جهت معنی با یکدیگر پیوستگی دارند و در واقع جفت حرف اضافه مفهوم آن را تکمیل می کند، اما ممکن است به تدریج در طول زمان واژه دوم مفهوم

^۱ jud az (MOP, KA, p. 4, L. 15-17). nazd O (MOP, KA, p. 6, L. 5-6). nazd O (AI, z, p. 77, 2). mAnAg O (AI, h, p. 42, 7).

^۲ ce>On O (AI, be, p. 112, 1).

^۳ EdOn ciyOn (MOP, MX, p. 78, L. 14-15). OwOn ciyOn (KSM, L. 38) (Gignoux., 1991, p. 84). a>On ce>On (AI, b, p. 39, 3).

^۴ pES kU (MOP, KA, p. 8, L. 1-2). pas kU (KKZ, L. 3-4) (Gignoux., 1991., p. 55). OwOn ciyOn (KKZ, L. 18-19) (Gignoux., 1991: 66). a>On ce>On (AI, t, p. 54, 1). EdOn ciyOn (MOP, YZ, p. 23, L. 25-6).

^۵ ce>On kE... (AI, u, p. 55, 1).

^۶ ciyOn ka (MOP, KA, p. 1, L. 12-13).

حرف اضافه نخست را تضعیف کرده، بار اصلی معنایی را خود منتقل کند، مانند hammi/Is در ساختمان az...hammi/Is "با، همراه با".

۲- الف-۲) در مواردی معنی اصلی توسط یکی از این دو واژه منتقل شده، دیگری نقش تأکیدی دارد و حتی با حذف آن در معنی مورد نظر تغییر مهمی ایجاد نمی‌شود، مانند حذف abar در ساختمان abar...pErAmOn "بر/ در پیرامون= پیرامون"، یا rOn در ساختمان rOn ... O هنگامی که واژه ای با مفهوم "سوی و جهت" در جمله وجود دارد (مقدم، ۱۳۸۴: ۷۰).

۲- ب) ساختمان حروف اضافه توأمان: اجزای این گروه از حروف اضافه نیز به لحاظ ساختمان مانند گروه دوگانه شامل حرف اضافه از یک طرف و قید، اسم، صفت و یا واژه ربط از طرف دیگر هستند. ساختمان صورت‌های توأمان را می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

۲- ب-۱) گروه اول: این گروه تنها شامل حروف اضافه و قابل تقسیم‌بندی به این زیرگروه‌هاست:

۲- ب-۱-۱) حرف اضافه ... حرف اضافه: در این گروه جزء اول و ثابت را همیشه یک حرف اضافه تشکیل می‌دهد و حرف اضافه دوم، که در جایگاه مؤخر قرار می‌گیرد، شامل انواع زیر است:

۲- ب-۱-۱-۱) حروف اضافه‌ای که فقط نقش مؤخر دارند، مانند rAy یا rOn در pad ... rAy "برای، به خاطر، به دلیل"، az ... rAy "از، از برای، به دلیل"، O ... rAy "به دلیل، به خاطر"، abar ... rAy "برای، به خاطر"، az ... rOn "از جانب، از سوی" و O ... rOn " (سوی) راه، ... راه، از، به". یکی از مفاهیم حرف اضافه O نشان دادن "هدف یا جهت حرکت یا عمل" است. rOn نیز مفاهیم مشابهی را در زمان و مکان منتقل می‌کند اما تفاوت مفهوم rOn با O در ساخت‌های ذکر شده در آن است که در مورد rOn "هدف یا حرکت در جهتی معلوم اما بدون دستیابی به آن" و در واقع - همان‌طور که در مثال‌ها مشاهده می‌شود - "یک اندیشه یا ذهنیت" مدنظر است، درحالی‌که از O، چه به تنهایی و چه همراه با واژه‌های دیگری مانند Alag، که به مفاهیم "سوی و جهت" اشاره دارند، جهتی قابل دستیابی درک می‌شود (ژینیو، ۱۹۷۱: ۱۹-۱۷).^۳ این ساختمان بیش از پهلوی کتابی در کتیبه‌های پهلوی ساسانی دیده می‌شود.^۴

^۱ از waSn نمونه‌ای در این ساختمان مشاهده نشد.

^۲ برای rOn و OrOn همچنین رک: (ژینیو، ۱۹۷۲: ۱۵-۲۳).

^۳ ضمناً در مورد این ساخت‌ها باید به مرجع واژه نیز توجه داشت، برای مثال Alag An O به معنی "به آن سوی" است نه "به سوی آن" و حرف اضافه اصلی در اینجا تنها O است که در عمل‌کردش به‌عنوان حرف اضافه ارتباطی با Alag ندارد.

^۴ pad ... rAy (KKZ, L. 7-8) (Gignoux, 1991: 58-9). pad ... rAy (AL, y, p. 60, 1). az ... rAy (MOP, KA, p. 15, L. 24-6). O ... rAy (KNRb, L. 5). abar ... rAy (MOP, WC, p. 118, L. 4-8). abar Afurldan rAy (AL, y, p. 61, 3).

در آخرین نمونه بالا، abar بلافاصله پیش از فعلی آمده که به وسیله rAy از وابسته‌های خود جدا شده است.

az ... rOn (AWz., p. 49, 4. 8), (Dk III, p. 172, L. 14-15) (De Menasce, 1973, p. 170, ch. 159. Gignoux, 1972, p. 22). O ... rOn (KSM, L. 26) (Gignoux, 1991: 80)

برای ترجمه ژینیو نک: (همان: ۹۴، بند ۲۱) و نیز (همان صفحه یادداشت ۲۰۸).

(KNRb, L. 2-3). O ... rOn ... O ... rOn (Ps., p. 103, 122-1)

ادوات Ew در متن فاقد فعل است. رک: (آندریاس-بار، ۱۹۳۳: ۱۲۰، yw>).

۲-ب-۱-۱) حروف اضافه‌ای که هم نقش مقدم و هم مؤخر دارند، مانند **abar**، **tA** یا **hammi/Is** در **pad ... abar** "بر، روی، بر اثر، به دلیل"، **az ... hammi/Is** "با، همراه با" و **be/E ... tA** "به‌جز، به‌غیر از".^۴

۲-ب-۲) گروه دوم: در گروه دوم حرف اضافه با سایر عناصر دستوری از نوع قید (/قید اضافی)، اسم (/اسم اضافی)، صفت، ضمیر و یا واژه ربط همراه است. در این‌جا نیز گاه عمل‌کرد ربطی مشهود است. این گروه خود می‌تواند به انواع متنوعی تقسیم شود، از جمله:

۲-ب-۲-۱) حرف اضافه ... قید (/قید اضافی، قید-پیشوند جهتی)/اسم (/اسم اضافی)/صفت/واژه ربط:

۲-ب-۲-۱-۱) حرف اضافه ... قید (/قید اضافی):

- در کاربرد اضافی: الف) در نخستین‌گونه در کاربرد اضافی هر دو واژه، طبق قاعده، روی مرجعی که بین آن‌ها آمده عمل می‌کنند: **az ... Arag** "در سمت، از سمت"، **az ... OrOn** "از جانب، از سوی"، **abar ... andarOn** "در، در درون، در داخل"، **abar ... pErAmOn** "در پیرامون، در اطراف"، **tar ... Alag** "از طریق"، **tar ... be/E** "آن سوی، آن طرف". ب) دومین‌گونه در ساختار زمانی بوده، دو واژه اضافی همراه با واژه‌ای که به آن ارجاع دارند، با دیدی فراتر از زمان اشاره می‌کنند: **abAz ... az** "طی، در طول، در"، **az ... OrOn** "از، از سوی، از جانب"، **az ... parrOn** "از ... پس، از ... به بعد".^۱

^۱ در متن MU29، صفحه ۱۰۳، سطر ۲ صورت توامان **abar ... dar** آمده است: **xwad JAmAsp bE walAyat <I> pArs abar kOh-E dar dEm-E nihAd** (مزدایور، ۱۳۷۸: ۳۲۵ و ۳۲۷). از آن‌جا که MU29 متنی پهلوی-فارسی است و واژه **dar** به جای **andar** خود اشاره به جدید بودن واژه دارد، ساختمان فوق را نمی‌توان ذیل گروه مورد بررسی طبقه‌بندی کرد.

^۲ برای صورت‌هایی مانند **abar ... abar**، **abar ... abar** و **O ... abar** رک **az ... abar** در **Gignoux, 1986, pp. 109-110**. در مثال‌هایی که توسط ژینیو ارائه شده‌اند، متمایز کردن حروف اضافه از پیشوندهای فعلی دشوار است. به نمونه‌های زیر توجه شود:

abar zamlg abar mad "بر زمین آمد." این جمله از متن اصلی کتاب "گزیده‌های زادسپرم" نقل شده است. در **Gignoux-Tafazzoli, 1993, p. 46, 3.28** همین عبارت به این صورت ارائه شده است: **abar zamlg <ud> abar mad** ... به عبارت دیگر در این کتاب، که چند سال بعد از مقاله قبلی به چاپ رسید، دومین **abar** پیشوند فعلی قلمداد شده است.

An I tO "پری کریان که از دریا بر آیند." **parlg kirbAn I az drayAb abar AyEnd. (WZds., p. 54, 3.83)** همین جمله در **Gignoux-Tafazzoli, 1993, p. 80, 22.12** این‌صورت آمده است: **An I tO hAwiSt O any abar rEzEnd pad dast abar gIrEnd** "شاگردان تو بر دیگری بر ریزند، (آن‌ها آن را) در دست گیرند."

^۳ برای سایر نمونه‌های این ساختمان رک همین کتیبه سطرهای ۱۷ تا ۲۱.

^۴ **pad ... abar (Dk VII, p. 605, L. 14-15)**. **pad ... abar (Dk VII, p. 607, L. 9-10)**. **az ... hammi/Is ... az ... hammi/Is (SKZ, L. 16) (Huyse, 1998, p. 40, par. 25, Sprengling, 1953, p. 10, par. 16), (MOP, KA, p. 9, L. 26-7)**. **az ... hammi/Is (AI, z, p. 80, 18)**. **be/E ... tA (MOP, KA, p. 15, L 26-7)**.

^۱ این دو واژه در کتیبه مشکین‌شهر از زمان شاپور دوم ساسانی نیز آمده‌اند و شروو آن‌ها را به صورت زیر ترجمه کرده است:

nUn SahryAr wuzurg AzAd-mard kE tar En rAh bE AyEd En diz passandAd ... (SMS., 9-12)

" اکنون باشد که این دژ شهریار بزرگ (و) آزاد مرد را که بدین راه آید پسند افتد ... "

^۲ این دو واژه در کتیبه مشکین‌شهر از زمان شاپور دوم ساسانی نیز آمده‌اند و شروو آن‌ها را به صورت زیر ترجمه کرده است:

nUn SahryAr wuzurg AzAd-mard kE tar En rAh bE AyEd En diz passandAd ... (SMS., 9-12)

" اکنون باشد که این دژ شهریار بزرگ (و) آزاد مرد را که بدین راه آید پسند افتد ... "

^۱ در مقاله ژینیو (۱۹۷۲: ۱۶) بخشی از سطر ۳۵ از کتیبه کرتیر در سرمشهد کازرون نقل شده است. در این عبارت مطابق بازسازی وی فرم **OrOn ... O** حاصل می‌شود که با توجه به نظر ژینیو در مورد ساختمان خود واژه **OrOn** شامل **O+rOn**، صورتی عادی نمی‌تواند باشد:

۲-ب-۲-۱) حرف اضافه اسم (/ اسم اضافی) / صفت:

- در کاربرد اضافی: "pad ... sar" در سر، در پایان، "pad ... nazdlh" به نزدیک، به نزدیکی، "pad ... abAgIh" به/ با همراهی، "pad ... homAnAg" به مانند، شبیه، "az ... sar" ، O ، "O ... a-homAnAg ... homAnAg" به مانند، شبیه، " غیر مانند، نا شبیه".^۴

۲-ب-۲-۱) حرف اضافه ... واژه ربط / ضمیر:

- در کاربرد ربطی: "ba ... *anE , bE ... enyA" به جز، به غیر از، "ta ... andom" تا زمانی که، تا آنجا که، "az ... ciyOn" به دلیل.^۵

گروه سوم) در این گروه جزء نخست را یک حرف ربط و جزء دوم را صفت تشکیل می‌دهد:

- در کاربرد اضافی: "EdOn ciyOn ... homAnAg" همچون، مانند.^۶

ashbāh chāpi ast). وی در همان جا، یادداشت شماره ۳، خواننده را به مقاله دیگر خود (1968) ارجاع داده که در آن واژه <L> را به صورت [M]N بازسازی کرده است. وی در مقاله ۱۹۷۲ در واقع قرانت اولیه خود را تغییر داده در حالی که در صفحه ۸۳ کتاب خود (1991) Les Quatre (Inscriptions Du Mage KirdIr, 1991) مجدداً این کلمه را به صورت [M]N ارائه نموده است: W K<N NYSH-1 pyt>k [M]N hwl>s>n >wlny Y>TWnt در نتیجه ساختار اضافی حاصل به احتمال قریب به یقین همان OrOn ... az خواهد بود. وی همچنین به دو مورد مشکوک دیگر از کاربرد OrOn اشاره می‌کند (1972: p. 23, note 1). در اینجا اصل عبارات مورد نظر از کتاب سوم دینکرد نقل می‌شوند. مورد نخست می‌باید اشتباه نویسی و سپس تصحیح واژه andarOn باشد و مورد دوم همان rOn با یک نشانه مشابه w در ابتدای آن:

Dk III, p. 367, L. 12-13: W SSw(w)m p>hlwmyh LB> >dwynyk >wlnw' >ndlnw' S>yk>n BYT>. Dk III, p. 244, L. 21-22: HWHt' zm>n Y kn>lk>wmnd <D plSkrt' PWN scSn>wmn'dyh nsng W >LYKyh W nsngyh <L mynSn' wlnw'...

^۱ az ... Arag AI, z, p. 78, 7). az ... OrOn (KSM, L. 35) (Gignoux, Ibid., p. 83). abar ... andarOn (AI, y, p. 61, 3). abar ... pErAmOn (AI, y, p. 62, 3). tar ... Alag (Dk VII, p. 600, L. 22- p. 601, L.1). tar ... be/E (MOP, Sh.Hj., p. 123, L. 7-8).

az ... OrOn (KKZ, L. 11) (Gignoux, 1991, p. 61: ahy). az ... az ... abAz (MOP, KA, p. 16, L. 24-5 pArrOn (AI, h, p. 41, 6).

برای تحلیل واژه be/E در آخرین نمونه رک: (مقدم، ۱۳۸۴: ۸۵).

^۲ pad ... sar (WZds., p. 34.27). pad ... nazdlh (DK VII, p. 610, L. 11-12). pad ... abAgIh (WZds., p. 34.30). pad ... homAnAg (MOP, WC, p. 119, L. 8-9). O ... homAnAg (MOP, MX, p. 75, L. 4-5). O ... a-homAnAg (MOP, MX, p. 80, L. 26).

^۳ در پهلوی واژه ani/I (مطابق قرانت بارتمه، ۱۹۰۶: ۶۳-۶۲) و یا any (مطابق قرانت مکنزی، ۱۹۷۱: ۱۰) به معنی "دیگر (other)" از صورت پارسی باستان -aniya با سیرتحوالی احتمالی ذیل: *āniya <*āniya <*aniya <*ani <*ani (other) تحول مشابه در: { به صورت هزوارش AHRN و گاه به صورت تصحیف شده ZK>y ZK>y ظاهرأ با تلفظ *an-I } و نه *AnI ، از ضمیر بایی- ازی پارسی باستان ana: (شرو، همان، یادداشت ۳۹). به نظر شرو ضمیر اشاره ZK در زبان پهلوی را به احتمال زیاد باید an تلفظ کرد نه An { می‌آید. همین واژه در متون پارسی میانه و پارتی مانوی به شکل ny >ny (بویس: ۱۹۷۷، ۱۳) به معنی "دیگر، بعد (other, next)" آمده است. واژه دیگری که در متون پهلوی به صورت >yny enyA در مفهوم "مگر، به علاوه (otherwise), moreover" آمده، معادل >n>y (بویس: *anE: ۱۹۷۷: ۱۲) به معنی "بلکه، مگر (yet, but, otherwise)" در متون مانوی است. گرچه در خط مانوی آوای E در جایگاه‌های میانی و پایانی می‌تواند به هر دو صورت y و >y نشان داده شود، اما تفاوت املاء این دو واژه با توجه به معانی متفاوتشان در متون مختلف، نمی‌تواند بدون دلیل باشد. خانم مهری باقری در مقاله خود (۱۳۷۹) پیشنهاد کرده‌اند که واژه >yny باید به صورت anE (از aniya پارسی باستان) قرانت شود. در صورتی که این فرض حتی به لحاظ تحولات آوایی - و با توجه به سیر ارائه شده در بالا- صحیح باشد، املاي پهلوی >yny، یا هر حرف‌نویسی دیگر برای تلفظ anE، که صورت غیر هزوارش برای AHRN خواهد بود، نیز به توجیه دارد.

^۴ bE ... enyA (MOP, MX, p. 78, L. 10-11). ba ... *anE (AI, ad, p. 89, 7). tA ... andom (AI 18, SKZ, p. 344-5, L. 27) (Back., 1978., pp. 344-5, Huysse, 1998, p. 53, Sprengling M., 1953). az ... ciyOn (MOP, KA, p. 3, L. 8-9).

^۵ EdOn ciyOn ... homAnAg (MOP, KA, p. 7, L. 16-17).

۳) ترکیبات اضافی

این دسته از ساختارهای اضافی شامل بیش از دو جزء هستند و می‌توان آن‌ها را به دو گروه اصلی تقسیم کرد: الف) بدون کسره اضافه، ب) با کسره اضافه.

۳-الف) بدون کسره اضافه: این گروه خود شامل دو دسته است:

۳-الف-۱) دسته نخست شامل دو حرف اضافه و یک جزء سوم است که بین این دو حرف قرار می‌گیرد. جزء سوم می‌تواند حرف اضافه قید - پیشوندی، اسم یا صفت (با عملکرد اضافی) و یا قید- پیشوند جهتی باشد، مانند **jud. andar** یا **frAz** در ساختمان‌های **be/E andar O** "به، به سوی"، **pad jud az** "به جز، به غیر از" و **tA frAz O** "فراز تا به، تا به". این ساختمان بر پایه حروف اضافه دوگانه ساخته شده و دامنه کاربرد آن‌ها را وسیع‌تر کرده است. به عبارت دیگر به حروف اضافه دوگانه یک حرف اضافه دیگر افزوده شده است: **be/E+andar O** ، **pad+jud az** و **tA+frAz O**^۱

۳-الف-۲) اجزاء اصلی گروه دوم را واژه‌های ربط تشکیل می‌دهند که معمولاً همراه با یک صفت و با کاربرد اضافی بر مرجعی که به دنبال می‌آید عمل می‌کنند. در صورتی که ترکیب فوق دارای کاربرد ربطی باشد، علاوه بر صفت، یک فعل یا عبارت فعلی نیز می‌تواند بین اجزای آن بیاید. نمونه‌هایی از این ساختمان عبارتند از:

- در کاربرد اضافی: **EdOn (hOmAnAg) ciyOn** "این چنین ... چونان"، **EdOn (homAnAg) ~ ciyOn** "این گونه ... چونان"، **ciyOn (homAnAg) ~ ciyOn** "این گونه ... چونان"، **ciyOn (mAnAg) ~ a>On** "آن گونه ... چونان"، **EdOn ~ ciyOn** "این گونه ... چونان"^۲.

- در کاربرد ربطی: **(En) OwOn / (An) OwOn (paydAg) ~ ciyOn** "آن گونه ... چونان"، **(En) OwOn / (An) OwOn (paydAg) ~ ciyOn** "آن گونه ... چونان"^۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^۱ فارسی "به جز".

^۲ اگر این ساختمان را از دیدگاهی دیگر و شامل اجزائی از نخستین گروه از حروف اضافه دوگانه ببینیم که جزء سومی بین دو بخش آن قرار گرفته است، همه موارد قابل توجه نخواهند بود. به عبارت دیگر مواردی مانند **be/E O** و **ta/dA O** که **andar** و **frAz** بین اجزاء دوگانه آن‌ها قرار گرفته‌اند بدون اشکال خواهند بود، اما در مورد دیگر **pad az** چنین نیست، که چنین فرمی وجود نداشته است. عملکردهای **pad** و **az** در جمله‌ای مانند جمله زیر مستقل بوده و در ساختمان فوق نمی‌گنجد: " فکر کردن به ... از (چیزی) دور بودن": **parmAviSn I pad az anAgIh dUr bUdan ... O handESISn I kas madan nE SAYE. (AI, ad, p. 88, 4)** " فکر ... فکر کردن به) دور بودن از بدی ... نمی‌تواند به اندیشه کسی بیاید." به همین ترتیب **pad** و **abar** در جمله زیر:

bUd guft e/EstEd cand mij-E ka Ek pad ... I har gOhrag-E drang I pad abar dAdan and did frOd nihEnd... (WZds., p. 32.25)

" که در آفریدن (= ابرداندن) هر گوه‌ری درنگی بود که گفته‌اند به اندازهای (است) که مژهای بر دیگری فرونهند." **pad jud az (MOP, PT, p. 64, L. 9-10). be/E andar O (PTx, WF, p. 77, L. 8-9). tA frAz O (KKZ, L. 12) (Gignoux, 1991, p. 62).**

^۳ **EdOn homAnAg ciyOn (MOP, MX, p. 71, L. 23-4). EdOn homAnAg ... ciyOn (MOP, WC, p. 120, L. 8). OwOn homAnAg ... ciyOn (MOP, WC, p. 120, L. 8-9). a>On mAnAg ... ce>On (AI, cb, p. 133, 2). EdOn ... ciyOn (MOP, MX, p. 79, L. 11-12).**

^۴ **OwOn paydAg ... ciyOn (KSM, L. 30) (Gignoux, 1991., pp. 81-2). En OwOn ... ciyOn (KSM, L. 32, KNRm, L. 56) (Gignoux, 1991, p. 82). OwOn ... ciyOn (MOP, YZ, p. 27, L. 24-5). a>On ... ce>On (AI, u, p. 56, 4).**

۳- ب) با کسره اضافه: آن دسته از ساختارهای اضافی در این مقوله جای می‌گیرند که کسره اضافه I^۱ جزء (عموماً) پایانی و ثابت آن‌ها را تشکیل می‌دهد. I در این ساختمان‌ها به برخی از صورت‌های اضافی، که در بخش‌های پیش به آن‌ها اشاره شد، افزوده می‌شود. در اینجا به بررسی موارد مختلف می‌پردازیم:

- I و حروف اضافه منفرد: I نمی‌تواند مستقیماً به حروف اضافه منفرد افزوده شود، بنابراین صورت‌هایی مانند **I pad I, az I, O I, abar I padI S I** یا غیره نمی‌توانند وجود داشته باشند. چنین مواردی (مانند آنچه در زیر ارائه می‌شود) یا اشتباه کاتب هستند و یا به قیاس واژه‌ای نزدیک به این صورت آمده‌اند:

Ed gOwEd pid O I duxt ud Ed gOwEd duxt be/E O *Oy I pid Ed gOwEd brAd be/E Oy xwah gOwEd xwah O Oy I brAd EdOn ciyOn-im nibiSt. (RPhl., 8, p. 17,1)

"این را گوید پدر به دختر، و این را گوید دختر به {آن} پدر؛ این را گوید برادر به {آن} خواهر؛ (و این را) گوید خواهر به {آن} برادر، اینچنین که نوشتیم."

همان‌طور که ملاحظه می‌شود یک مطلب به چند صورت بیان شده است:

- 1) gOwEd pid --- O --- I duxt.
- 2) gOwEd duxt be/E O O [=*Oy] I pid.
- 3) gOwEd brAd be/E --- Oy I xwah.
- 4) gOwEd xwah --- O Oy I xwah.

صورت اصلی می‌بایست \sim **gufan be/E O Oy I** یا \sim **gufan be/E O Oy I** بوده باشد و به گواهی مورد دوم، مورد نخست یعنی **O I** می‌تواند حاصل خلط با **Oy I** بوده باشد.

نمونه‌های \sim **Oy I** (با **I** بین صفت اشاره و موصوف) در متون پهلوی فراوانند:

hagriz brAd Oy I² brAd ud xwah Oy³ I xwah az dOstlh be/E nE *hiSt.⁴ (RPhl., 8, p. 10, 8)

"هرگز برادر دوستی برادر و خواهر (دوستی) خواهر را رها نمی‌کرد."

- I با حروف اضافه دوگانه: آن دسته از حروف اضافه دوگانه که در آن‌ها حرف اضافه اصلی جزء دوم را تشکیل می‌دهد، ساختمانی مشابه مورد نخست خواهند داشت، به این معنی که کسره اضافه I نمی‌تواند بلافاصله بعد از آن‌ها قرار گیرد، برای نمونه این موارد ممکن نخواهند بود: گروه اول: **az abar+ I, ta, O+I pad+I, abar pad+I, O+I**؛ گروه دوم: **az+I, pES, O+I, abAz, az+I, jud, O+I, nazd**؛ و همچنین گروه سوم: **EdOn ciyOn+I, EdOn ciyOn+I, OwOn ciyOn+I**. افزوده شدن I به ترکیب سایر عناصر دستوری با یکدیگر نیز ممکن نیست.

^۱ برای I در میانه ترکیب رک I با حروف اضافه توأمان: **az kOf I sar**.

^۲ I در نسخه J از روایت پهلوی نیامده است.

^۳ BK, J: On, MR₁: On for H₁n (RPhl., p. 17, note 7).

^۴ متن اصلی hiEd.

^۵ در حرف اضافه "برای" در زبان فارسی "را" علاوه بر این که نسبت به مرجع خود در جمله عملکرد مؤخر ندارد پیش از کسره اضافه نیز آمده است.

حروف اضافه گروه‌های فوق با ایجاد تغییراتی، از قبیل افزوده‌شدن بخش‌هایی به آن‌ها، به صورت عبارات اضافی به‌کارگرفته شدند.^۱

I - با حروف اضافه توأمان: از آنجا که در ساختمان توأمان مرجع حرف اضافه بین دو بخش آن قرار می‌گیرد، طبعاً نمی‌توان انتظار داشت **I**، که وسیله پیوند حرف اضافه و مرجع آن است، با فاصله و بعد از مرجعی بیاید که پیش از آن قرارگرفته است، به‌ویژه اگر جفت حرف اضافه نخست خود یک حرف اضافه اصلی باشد، برای مثال **az ... hammi/Is+I, O ... rOn+I, pad ... rAy+I** یا **be/E ... tA** سایر موارد نیز وضع مشابهی خواهند داشت: **pad az ... OrOn+I az ... abAz+I homAnAg+I** ... و غیره. در موارد معدود، در صورتی که جزء دوم در ساختمان توأمان قابلیت پیوند با کسره اضافه **I** را داشته باشد^۲ - به عبارت دیگر اصالتاً حرف اضافه نباشد - **I** می‌تواند پیش از آن و در واقع بین دو جزء ساختمان توأمان قرار گیرد، مانند **sar** "سر؛ بالا" در عبارت **I sar** "سر، بالای" در **I sar kOf** "سر کوه، بالای کوه" که برابر است با **kOf I sar** و در عبارت اضافی **az kOf I sar** برابر **az sar I kOf**:

mAnAg dar I wEnIlg hombOyAg ce>On pIl ka az kOf I sar bOyestAn I SAh O bOy I isprahmag ruzdist. (AI, h, p. 42, 9)

"دروازه بینی استشمام‌کننده مانند فیلی است که از بالای کوه (به) بوستان شاه (و) بوی گلها (ی آن) حریص شد."

بنابراین باید در مواردی انتظار ایجاد چنین عبارات اضافی ای را داشت که یا کسره اضافه **I** به دنبال واژه‌ای با نقش اضافی - و نه حرف اضافه اصلی - بیاید و یا در صورت وجود حرف اضافه اصلی در ساختمان آن، بین **I** و آن حرف اضافه واژه‌ای دیگر قرار گیرد.

با توجه به مطالب فوق، این‌گونه عبارات اضافی را می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم نمود:

- گروه اول: دو بخشی و شامل قید/ اسم (اسم اضافی) + کسره اضافه.
- گروه دوم: سه بخشی و شامل حرف اضافه + قید/ اسم (اسم اضافی)/ صفت + کسره اضافه.
- گروه سوم: چهار بخشی: پ-۱) شامل حرف اضافه (از نوع اضافی/ ربطی/ قیدی - پیشوندی) + حرف اضافه + قید (قید اضافی) + کسره اضافه.
- پ-۲) شامل قید/ اسم (اسم اضافی) + حرف اضافه + اسم + کسره اضافه.
- ۳- ب-۱) گروه اول: قید/ اسم (اضافی) + کسره اضافه:

- در کاربرد اضافی: **andarOn I** "اندرون، درون"، **azEr I** "زیر"، **azabar I** "زیر، روی"^۳، **bErOn I** "بیرون، خارج از"، **pES I** "پیش، در برابر"، **pas I** "پس، به دنبال"، **pErAmOn I**

^۱ رک ۳-ب-۳.

^۲ رک ۳-ب-۱.

^۳ برای نمونه رک: **azEr I**.

"پیرامون، اطراف"، *mayAn I* "میان، بین"، *mayAnag I* "میانۀ، میان، بین"، *pay I* "پی، دنبال"، *nazdlk I* "نزدیک"، *nazdlkIh I* "نزدیک، نزد".^۱

۳-ب-۲) گروه دوم: حرف اضافه + قید / اسم (اسم اضافی) / صفت + کسره اضافه:

ساختمان این گروه در واقع حاصل افزوده شدن یک حرف اضافه به اجزای گروه نخست، مذکور در بالا، است. برخی نمونه‌ها عبارتند از: *pad nazdlkIh I* "به نزدیکی، به نزدیک"، *pad sar I* "به سر، بر سر، در پایان"، *pad niSan I* "به نشان، به مانند"، *az pas I* "از پس، به دنبال"، *az nazdlk I* "از نزدیک"، *az ahrAmiSn I* "از درگذشت، از مرگ"، *O pES I* "به پیش، به حضور"، *O sar I* "به سر"، *O nazdlk I* "به نزد، به نزدیک"، *O nazdlkIh I* "به نزدیکی، به نزد"، *O bun I* "به عهده".^۲

۳-ب-۳) گروه سوم:

۳-ب-۳-۱) حرف اضافه (اضافی / ربطی) / قید - پیشوندی + حرف اضافه + قید (اضافی) + کسره اضافه: از دو دیدگاه به ساختمان این گروه می‌توان نگریست: این گروه می‌تواند: ۱) حاصل جمع گروه دوم از عبارات اضافی و یک حرف اضافه دیگر باشد، ۲) حاصل پیوند گروه نخست از انواع حروف اضافه دوگانه و گروه نخست از عبارات اضافی باشد، که البته مورد نخست محتمل‌تر به نظر می‌رسد. نمونه‌ها عبارتند از: *andar O pES I* "اندر به پیش، به پیش، به نزد"، *tA O pES I* "تا به پیش، تا به نزد".^۳

۳-ب-۳-۲) قید / اسم (اضافی) + حرف اضافه + اسم + کسره اضافه:

در این گروه با افزوده شدن یک اسم و کسره اضافه به آن دسته از حروف اضافه دوگانه که به دلیل قرارگرفتن حرف اضافه در جایگاه دوم، امکان پیوند مستقیم با کسره اضافه در مورد آن‌ها وجود ندارد، یک عبارت اضافی ساخته می‌شود، مانند: *pas az (marg) I* "پس از (مرگ)"، *pES az (hazArag) I* "پیش از (هزاره)"، *jud az (ziyAn) I* "جدا از / بدون (زبان)".^۴

نتیجه گیری

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه ترفانی ساختارهای اضافی شامل موارد زیراند:

^۱ *andarOn I* (WZds., p. 34.33). *azEr I ... azabar I* (MOP, YZ, p. 25, L. 20-21). *+bErOn I* (WZds., p. 34.32). *pES I* (MOP, MX, p. 70, L. 21-22). *pas I* (MOP, KA, p. 14, L. 23-24). *pErAmOn I* (MOP, KA, p. 1, L. 15-16). *mayAn I* (MOP, KA, p. 8, L. 5-6). *mayAnag I* (WZds., p. 30, 1.1). *pay I* (MOP, KA, p. 7, L. 12-13). *nazdlk I* (MOP, KA, p. 6, L. 5-6). *nazdlkIh I* (MOP, KA, p. 3, L. 5-6).

^۲ *pad nazdlkIh I* (MOP, MX, p. 74, L. 17-18). *pad sar I* (MOP, KA, p. 14, L. 15-16), (WZds., p. 52, 3.71). *pad niSan I* (AI, cm, p. 145, 5). *az pas I* (MOP, KA, p. 3, L. 18-19). *az nazdlk I* (MOP, KA, (MOP, MX, p. 75, L. 25-6). *O* (با بزرگي) p. 4, L. 5-6). *az ahrAmiSn I* (AI, s, p. 52-3, 1). *O pES <I>* (*I sar I* (MOP, KA, p. 15, L. 3-5). *O nazdlk I* (MOP, KA, p. 5, L. 20-22). *O nazdlkIh I* (MOP, KA, p. 5, L. 1-3). *O bun I* (MOP, MX, p. 79, L. 12-13).

^۳ *andar O pES I* (MOP, YZ, p. 18, L. 19). *tA O pES <I>* (MOP, YZ, p. 26, L. 8-9). با بازسازی کسره اضافه. ضمناً در این جمله حرف اضافه (می‌تواند مستقل از واژه‌های بعدی و ربط نیز قلمداد شود: "تا اینکه")

^۴ *pas az marg I* (MOP, KA, p. 1, L. 2-3). *pES az hazArag I* (MOP, KA, p. 12, L. 24-6). *jud az ziyAn I* (MOP, MX, p. 68, L. 2-3).

* صورتهایی که در راستای ساختارهای باستانی هستند، شامل:^۱

(۱) حروف اضافه منفرد که برخی از آنها بازمانده مستقیم حروف اضافه دوران باستان هستند، مانند **pad** ، **az** ، **O** ، **abar** و

(۲) قیده‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها و کلمات ربطی که در دوره میانه به عنوان حرف اضافه نیز به کار رفته‌اند، مانند **azEr** ، **pES** ، **nazdlk** و

** صورتهایی که با استفاده از روش‌های مختلف برای افزایش تعداد و کارایی گروه‌های ۱ و ۲ به وجود آمدند، به این قرار:

الف) همنشینی بدون فاصله:

(۳) صورتهای حاصل از ترکیب یا به عبارت دیگر همنشینی بدون فاصله حروف اضافه با یکدیگر، مانند **abar** ، **pad** ، **abar** ، **O** ، **tA** و

(۴) صورتهای حاصل از ترکیب یا همنشینی بدون فاصله حروف اضافه با قیده‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها و حروف ربط، با انواع: الف) حرف اضافه + قید، اسم، صفت، حرف ربط، مانند **az pES** ، **pad sar** و ... (ب) قید، اسم، صفت، حرف ربط + حرف اضافه، مانند **az pES** ، **O** ، **frAz** و

(۵) صورتهای کمکی به صورت ترکیب قیده‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها و حروف ربط با یکدیگر، مانند **OwOn** ، **EdOn** ، **ciyOn** .

ب) هم‌جواری با فاصله:

(۶) صورتهای حاصل از همنشینی با فاصله حروف اضافه با یکدیگر، مانند **abar ... pad** ، **O ... rOn** و

(۷) صورتهای حاصل از همنشینی با فاصله حروف اضافه با قیده‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها و حروف ربط به صورت: حرف اضافه ... قیده‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها و حروف ربط، مانند **pad ... sar** ، **O ... homAnAg** و ... (عکس این حالت در متون ایرانی میانه موجود نیست).

(۸) فرم‌های جانبی به صورت همنشینی با فاصله قیده‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها و حروف ربط با یکدیگر (برای مثال کلمه ربط صفت)، مانند **EdOn** ، **ciyOn**

** ترکیب حروف اضافه منفرد با دوگانه:

(۹) حرف اضافه + حرف اضافه + حرف اضافه، مانند: **O** ، **andar** ، **be/E** .

گونه حرف اضافه + حرف اضافه + قیده‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها و حروف ربط. این مورد در متون پهلوی و فارسی میانه موجود نیست.

(۱۰) حرف اضافه + قیده‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها و حروف ربط + حرف اضافه، مانند **az** ، **jud** ، **pad** ، **tA** ، **O** ، **frAz** .

(۱۱) حرف اضافه + قیده‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها و حروف ربط + قیده‌ها، اسم‌ها، صفت‌ها و حروف ربط. این ساختمان در زبان‌های پهلوی و فارسی میانه ترفانی موجود نیست اما ساختمان جدیدی از طریق افزودن یک صفت بین اجزای گروه اصلی به وجود آمد، مانند: **EdOn** ، **homAnAg** ، **ciyOn** .

^۱ برای این که تمامی صورتهای یکجا دسته‌بندی شوند، شماره‌ها به صورت پیاپی خواهند آمد.

منابع

باقری، مهري (۱۳۷۹). «واژه‌های گسسته در فارسی میانه». به کوشش علی‌اشرف صادقی. *یادنامه دکتر احمد تفضلی*. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۹۴-۹۱.

تفضلی، احمد (۱۳۶۴). *مینوی خرد*. چاپ سوم. تهران: توس.

_____ (۱۳۸۰). *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*. چاپ سوم. تهران: معین.

_____ (۱۳۸۰). *اسطوره زندگی زرتشت*. چاپ چهارم. تهران: چشمه.

خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۷). *دستور زبان فارسی، کتاب حروف اضافه و ربط مشتمل بر تعریف و تقسیم و شرح اصطلاحات و معانی و کاربرد حروف اضافه*. تهران: سعدی.

راستارگویا، و.س. (۱۳۴۷). *دستور زبان فارسی میانه*. ترجمه ولی‌الله شادان. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ماهیار نوایی، یحیی (۱۳۷۴). *یادگار زیران، متن پهلوی با ترجمه فارسی و آوانویسی لاتین و سنجش آن با شاهنامه*. تهران: اساطیر.

_____، کیخسرو جاماسب اسا (۱۳۵۵). *دستنویس م او ۲۹، داستان گرشاسب، تهمورس و جمشید گلشاه و متن‌های دیگر*. شیراز: مؤسسه آسیایی دانشگاه پهلوی شیراز.

_____، محمود طاووسی (۱۳۵۷). *دست‌نویس ک ۲۰، ک ۲۰ ب ارداویراف‌نامه، بندهش و جز آن*. گنجینه دست‌نوشته‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی ۴۸. شیراز: مؤسسه آسیایی دانشگاه پهلوی شیراز.

مزدآپور، کتایون (۱۳۷۸). *بررسی دست‌نویس م او ۲۹، داستان گرشاسب، تهمورس و جمشید گلشاه و متن‌های دیگر، آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی*. تهران: آگاه.

مقدم، آژیده (۱۳۸۴). «ساختمان حروف اضافه منفرد در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه ترفانی». *زبان‌های ایرانی*. ج ۱. ش ۱. ۶۶-۹۶.

میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۷). *روایت پهلوی، متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی)*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

Andreas F.C.-Barr, Kaj (1933), "Bruchstücke Einer Pehlevie-Übersetzung der Psalmen, mit 11 Tafeln". Sb. d. Preussischen Akad. d. Wissenschaften.

Back, M. (1978). *Die Sassanidischen Staatinschriften*. Acta Iranica 18.

Bartholomae Ch. (1906), *Zum Altiranischen Wörterbuch*. Strassburg.

Bloch, E. (1905). *Etudes De Grammaire Pehlevie*. Paris: Librarie Orientale Et Américaine.

Boyce, M. (1975). *A Reader In Manichaeae Middle Persian and Parthian*. Acta Iranica 9. Leiden: E.J.Brill.

_____ (1977). *A Word List Of Manichaeae Middle Persian and Parthian*. Acta Iranica 9a. Leiden: E.J.Brill.

در زیر، در کنار، در میان، در پیش، از اندرون. * همین ساختمان به صورت توأمان با حرف اضافه در جایگاه مقدم می‌آید: ز ... اندرون. * صورت توأمان با حرف اضافه در جایگاه مؤخر و در نتیجه کسره اضافه بعد از اسم (مبهم): پس ... در، پیش ... در، زیر ... اندر، گرد ... اندر، میان ... در، زیر ... اندرون، نزد ... فراز.

* ساختمانی شامل حرف اضافه + اسم (مبهم) + کسره اضافه + حرف اضافه (مؤخر): در پیش ... در، بر گرد ... بر.

- Brandenstein, W. & M. Mayrhofer (1964). *Handbuch des Altpersischen*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- Brunner, Ch. (1977). *A Syntax of Western Middle Iranian*. Delmar-New York: Caravan Books.
- Dhabhar, E.B.N.(ed.) (1913). *The Pahlavi RiWAYAt Accompanying the DAdistAn IDInIk*. Bombay: Trustees of the Parsee Panchayat Funds and Properties.
- Dresden, M.J. (1966). *Denkart, A Pahlavi Text*. Facsimile edition of the manuscript B of the K. R. Cama Oriental Institute Bombay. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- Frye, R.N. (1949). "The Middle Persian Inscription at Sar Mashhad". *HTR*, vol. XLII/I, 69-70.
- _____ (1965). "The Middle Persian Inscription of Kartir at Naqsh-i Rajab". *III*. Vol.VIII/3, 211-225.
- _____ and P.O.Skjaervo (1992). "The Middle Persian Inscription from Meshkinshahr". *BAI. Studies in honor of Vladimir A. Livshits*. Vol. 10, 53-61.
- Gignoux, Ph. (1968). "L'Inscription de Kartir a Sar Mashhad". *JA*, Tome 256, 387- 418.
- _____ (1971). "La Construction de OrOn en Pehlevie". *Studia Iranica.*, Tome I /1, 15- 23.
- _____ (1972). *Glossaire des Inscription Pehlevi et Parthes*, CII. Supplementary Series, Vol. I, London: Lund Humphries.
- _____ (1984). *Le Livre D'Arda VirAz, Translittération, Transcription Et Traduction Du Texte Pehlevi*. Paris.
- _____ (1986). "La Postposition abar en Moyen Perse". *Studia Grammatica Iranica, Festschrift für Helmut Humbach*. München: 103-113.
- _____ (1991). *Les Quatre Inscriptions Du Mage Kirdlr, Textes et Concordances*, *Studia Iranica-Cahier 9*, Paris: L'Association Pour L'Avancement Des Etudes Iraniennes.
- Gignoux Ph.-Tafazzoli A. (1993), *Anthologie De Zadspram*. *Studia Iranica*, cahier 13. Paris.
- Henning, W. (1933-34). "Das Verbum des Mitteliranischen der Turfanfragmente". *Zeitschrift für Indologie und Iranistik* 9, 158-253.
- _____ (1939). "The Great Inscription of SApUr I", *BSOS* 9, 823-49.
- _____ (1954). "Note on the Great Inscription of SApUr I", *Professor Jackson Memorial Volume*, Bombay: K.R.Cama Oriental Institute, 40-54.
- _____ (1958). "Mitteliranisch". In *Handbuch Der Orientalistik. Erste Abteilung, Vierter Band, Erste Abschnitt, Linguistik*. Leiden-Köln: E.J.Brill, 20-130.
- Herzfeld, E. (1924). *Paikuli. Monument and Inscription of the Early History of the Sassanian Empire*. Berlin.
- Huyse Ph. (1998). *Die dreisprachige Inschrift Sapuhrs I an der Ka<ba-i ZarduSt (SKZ) I / II. Corpus Inscriptionum Iranicarum. Part III: Pahlavi Inscriptions, vol. I: Royal Inscriptions, with their Parthian and Greek Versions, Texts I*, SOAS. London.
- Jamasp-Asana, J.D.M. (ed.) (1897). *Pahlavi Texts, Transcription, Translation*. Bombay.
- Kent, R.G. (1953). *Old Persian Grammar, Texts, Lexicon (sec. ed.)*. New Haven: American Oriental Society.
- Lazard, G. (1975). "Le Preverbe Moyen-Perse bE/ba". *Acta Iranica* 5. Leiden: E.J.Brill, 1-13.

- _____ (1986). "Les Prepositions pad et bE (O) en Persan et en Pehlevi". *Studia Grammatica Iranica, Festschrift für Helmut Humbach /R. Kitzinger, München, 245-255*. Also in *La Formation de La Lange Persane, 1995. Paris: Peters, 149-156*.
- MacKenzie, D.N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*, London: Oxford University Press.
- _____ (1978). "Shapur's Shooting", *BSOS XLI, 500-511*.
- _____ (1990). "When is a postposition not a postposition". *Proceedings of the First European Conference of Iranian Studies, Part 2, Middle and New Studies. Rome: 487-495*.
- Nyberg, H.S. (1964). *A Manual of Pahlavi, Part I: Texts*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- _____ (1974). *A Manual of Pahlavi, Part II: Glossary*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- Salemann, C. (1930). *A Middle Persian Grammar*. Bombay: British India Press, Mazgaon.
- _____ (1974). "Mittelpersisch". In *Grundriss der Iranischen Philologie. Ed. W.Geiger & E.Kuhn. Strassburg: Karl J. Trübner, 249-332*
- Skjaervo, P.O. (1997). "On The Middle Persian Imperfect", In *Syntax des Langues Indo iraniennes anciennes. E.Pirrat (ed.): Colloque International. Sitges, Barcelona, 4-5 mai 1993. Aula Orientalis Supplementa 6: Editorial AUSA, 161-188*.
- Sprengling, M. (1953). *Third Century Iran. Sapor and Kartir*. Chicago: Oriental Institute.
- Sundermann, W. (1989). "Mittelpersisch". In *Compendium Linguarum Iranicarum. Rüdiger Schmitt (ed.)*. Wiesbaden: Reichert, 138-164.
- Tafazzoli, A. (1972). "Andarz i WehzAd Farrox-PErOz. containing a Pahlavi poem in praise of wisdom". *Studia Iranica 1.2, 207-217*.
- Utas, B. (1975). "On The Composition Of The AyyAdgAr I ZarErAn". *Acta Iranica 5. Leiden: E.J.Brill, 399-418*.

فهرست نشانه‌های اختصاری

- AI: Acta Iranica 9
AWz.: ArdA WIrAz NAmag (Gignoux Ph.)
BAI: Bulletin of the Asia Institute
BK: A ms. of ZAdspram, Pahlavi Rivayat etc. in possession of Bulsara (see Gignoux Ph., Tafazzoli A., 1993, p. 25 & Dhabhar M.A, (ed.) 1913, p.12).
BSOS: Bulletin of the School of Oriental Studies
CII: Corpus Inscriptionum Iranicarum
Dk: DENkard, Madan
HTR: Harvard Theological Review
J: A ms. of DAdistAn I DENIg (see Dhabhar M.A, (ed.) 1913, p.13).
JA: Journal Asiatique
KA: KArNAmag I ArdaxSahr I PAbagAn
KKZ: KirdIr, Ka<be-ye ZarduSt
KNRb: KirdIr, NaqS-e Rajab
KNRm: KirdIr, NaqS-e Rustam

Kr: Legend of KreSAspa
KSM: KirdIr, Sar MaShad
L.: Line/ Lines
MMPe.: Manichean Middle Persian
Mn.Fd.: Mihr-Narseh, FirUzAbAd (Skjaervo: MnF.)
MOP: A Manual of Pahlavi, Nyberg H.S.
MR₁: A ms. of DAdistAn I DENIg (see Dhabhar M.A, (ed.) 1913, p.14).
ms.: Manuscript
MX: MEnOg I Xrad
p.: page
par.: paragraph
Phl.: Pahlavi
pp.: pages
PT: Handarz I PoriyOtkESAn
PTx: Pahlavi Texts, Antia
RPhl.: RiWAYat I Pahlavi, Dhabhar D.B.N. (ed.)
Sal.Ps.: Sa/vIOk, Persepolis
SHj.: SABuhr I, HAJiAbAd
SMS.: SABuhr II, MiSkin Sahr
SPs.: SABuhr SagAn SAh, Persepolis (Skjaervo: SPs.)
SÊ.: SahrestAnIhA I ÊrAn
WF: Handarz I WehzAd Farrox
V/vol.: Volume
WZds.: WizIdagIhA I ZAdspram,
Gignoux & Tafazzoli
YZ: AyAdgAr I ZarIrAn

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی